

تحلیل گفتمان با استفاده از مؤلفه های جامعه شناختی - معنایی

گفتمانمدار با عنایت به تصویر سازی کار گزاران اجتماعی* (علمی - پژوهشی)

لطف ا... یار محمدی
استاد دانشگاه شیراز و
عضو هیئت مدیره فرهنگستان علوم

چکیده

در تحلیل گفتمان انتقادی، زبانشناس سعی دارد با به کارگیری ساز و کارهای مناسب بین پیام نهفته در متن که بر پایه دیدگاه اجتماعی خاصی سامان یافته است، با نحوه بیان ارتباط برقرار نماید و توجیه لازم در باب شکل گیری پیام نهفته را فراهم آورد. این ساز و کارها به ساختارهای گفتمانمدار تعبیر شده اند. این ساختارها می توانند مؤلفه های زبانشناختی ای باشند که توسط برخی از زبانشناسان در تحلیل اعمال شده اند. در این نوشته عنوان شده است که می توان از مؤلفه های جامعه شناختی - معنایی گفتمانمدار بهره جست و برای توضیح بیشتر از مثال هایی در تصویر سازی کار گزاران اجتماعی استفاده شده است.

تاریخ پذیرش نهایی: ۸۱/۸/۲۹

* تاریخ دریافت مقاله: ۸۱/۸/۶

واژگان کلیدی

گفتمان، مولفه های جامعه شناختی - معنایی، گفتمانمدار، کارکرد اجتماعی، کارگزاران اجتماعی

الف. مقدمه

گفتمان در گذشته توسط نویسندگان این سطور به تلازم گفتار (یا گفته) با کارکرد اجتماعی و یا معنایی آن تعبیر شده است (یارمحمدی ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ الف). از این رو، تحلیل گفتمان عبارت است از تعیبه ساز و کار مناسب و اعمال آن در کشف و تبیین ارتباط گفته (یا متن) با کارکردهای فکری - اجتماعی. در اینجا من با عنایت به گفته فر کلاف (۱۹۹۵) تعریف بالا را اندکی دستکاری می کنم. فر کلاف، گفتمان را به *Language as social practice* (یعنی زبان به عنوان عرف و یا رفتار اجتماعی) تعریف کرده است.

عرف و کارکرد اجتماعی به مجموعه افعال، رفتارها، برخوردها و نگرش هایی اطلاق می شود که برای انجام عملی به قصد تحقق هدفی در جامعه خاصی به کار گرفته می شوند و معمولاً این افعال و رفتارها جا افتاده و نهادینه شده اند و کارکرد و نقش اجتماعی ویژه ای دارند. زبان هم خود جزئی از این عرف است و در چارچوب همین عرف عمل می کند. مثلاً رفتار و نگرش ما به زنان، جایگاه آنان و حقوق آنان تابع الگو و عرف خاصی است، یا اینکه انجام نظر سنجی عمومی خود تابع ساز و کار و عرف ویژه ای است. هر یک از نهادهای رسمی و غیر رسمی در مملکت، برابر الگو و عرف مشخصی (تا حد زیاد قابل پیش بینی) عمل می کنند. مثلاً در یک مدرسه، تعدادی کارگزار اجتماعی (*social actors*) مانند مدیر، معاون، دفتر دار، معلمان، شاگردان و خدمتگزارانی وجود دارند که هر یک مطابق وظیفه خود اعمالی انجام می دهند. گفته

هریک از کارگزاران نیز در قالب همین اعمال و دیدگاه فکری - اجتماعی و یا ایدئولوژی حاکم بر این نهاد معنا پیدا می کند و تعبیر و تفسیر می شود. در نوشته های پیشین (یارمحمدی ، ۱۳۷۸) برای تسهیل در تفهیم ، گفتمان به دو روی سکه تشبیه شده است . یعنی اینکه در یک روی آن، گفته و در روی دیگر عرف و کارکرد اجتماعی آن قرار دارد . پس، گفتمان عبارت از «تلازم گفته با عرف و کارکرد اجتماعی آن گفته» می باشد. بدین ترتیب، گفتمان با گفتار ، گفته ، سخن و مقال تفاوت دارد. متأسفانه می بینیم که این تعبیر را اغلب به غلط به جای گفتار ، گفته و سخن که تنها به یک روی سکه، یعنی نیمه زبانی آن اشارت دارند، به کار می برند.

نکته مهم اینکه به دلایل بسیاری که در زیر تا حدی روشن خواهد شد . رابطه بین گفته و عرف و کارکرد اجتماعی آن مستقیم نیست. یک گفته می تواند با عرف ها و کارکردهای اجتماعی متفاوت همراه و یا چند گفته، می تواند با عرف و کارکردهای اجتماعی واحدی قرین باشند . به تعبیر دیگر، کارکردهای اجتماعی (در قالب عرف های مشخص، یعنی در چارچوب دیدگاه های اجتماعی (ideologies) حاکم بر این دیدگاه ها، بسته به بستر و بافتی که کارکردها در آن صورت می گیرند و به ویژه بسته به نوع روابط قدرتی که بین کارگزاران اجتماعی ساری و جاری است، این کارکردها به گونه های مختلف، در گفتمان تصویر سازی یا بازنمایی (representation) می شوند. پس، به عبارتی تحلیل گفتمان در پی آن است که کشف کند این کارکردهای اجتماعی که مختصات آن در لایه های زیرین گفتمان لانه گرفته اند، چگونه در گفتمان در لایه های «زیرین» تصویر سازی یا بازنمایانده شده اند . در این گونه تحلیل ها، تعدادی از مؤلفه ها (features) یا ساختارها (structures) که

«گفتمانمدار» (Discursive) هستند، انتخاب می شوند و بعد با به کارگیری این مؤلفه ها، متون مورد نظر تحلیل می شوند. ساختارهایی «گفتمانمدار» هستند که به کارگیری یا عدم به کارگیری آنها و یا تغییر و تبدیل آنها به صورت دیگر در گفته و یا متن، باعث شود که از گفته برداشت های متفاوتی شود، مطلبی پوشیده و مبهم شود و یا صراحت بیشتری پیدا کند و یا بخشی از گفته رابرجسته نماید و بخشی دیگر را در حاشیه قرار دهد. مثلاً به دو جمله زیر که از دو روزنامه، با دو دیدگاه متفاوت، به هنگام حادثه کوی دانشگاه تهران در «تیر ۱۳۷۸» گرفته شده است، توجه کنید:

۱. آشوبگران توسط پلیس متفرق شدند.

۲. پلیس دانشجویان را «متفرق» کرد.

در این دو جمله، واقعه مشابهی اتفاق افتاده و عمل خاصی صورت گرفته است. کارگزاران اجتماعی این حادثه دو گروه هستند. یکی «پلیس» به عنوان عامل (agent) و دیگری گروهی از مردمان به عنوان پذیرنده (patient) که در جمله اول تحت عنوان «آشوبگران» (که بار منفی دارد) و در جمله دوم به «دانشجویان» (که بار مثبت دارد) طبقه بندی و نامگذاری شده اند. انتخاب یکی از دو نام با بار مثبت و در مقابل، نام دیگر با بار منفی، مؤلفه ای گفتمانمدار است. اساساً نوع طبقه بندی پدیده ها در تحلیل گفتمان در تنظیم روابط قدرت و اعمال دیدگاه خاص و کنترل رفتار دیگران بسیار مهم است. طبقه بندی ها هم همواره متأثر از دیدگاه های فکری - اجتماعی می باشند، مثل طبقه بندی خودی و غیر خودی.

دیگر اینکه جمله اول مجهول و جمله دوم معلوم است. در جمله اول «آشوبگران» حکم آغاز دارد و بنابراین، موضوع سخن قرار گرفته و «پلیس» در درجه بعدی توجه

واقع شده است. اگر این جمله به صورت «آشوبگران متفرق شدند»، اداشود، آن وقت «پلیس» کاملاً به پس زمینه رانده شده است و خواننده یا شنونده باید وجود «پلیس» را با توجه به بستر سخن بازسازی کند. حال آنکه در جمله دوم «پلیس» در مرکز توجه قرار دارد و بر آن تأکید می شود. پس انتخاب یکی از این دو می تواند دیدگاه متفاوتی را منعکس نماید. لذا انتخاب مجهول در مقابل معلوم یا بالعکس، مؤلفه ای (یا ساختاری) گفتمانمدار به حساب می آید. اکنون ببینید که هریک از مشارکین عمل، یعنی (عامل و پذیرنده) و یا خود عمل در شرایط مختلف چگونه در گفتمان بازنمایانده می شوند. مثلاً در جمله اول، پذیرنده عمل، فاعل جمله واقع شده، در حالیکه در جمله دوم، عامل به صورت فاعل آمده است. البته خود عمل نیز می تواند به صورت مختلف بازنمایی شود. همچنین، در جمله اول، پذیرنده با بارمنفی و در جمله دوم، با بارمثبت تصویر سازی شده است. به مثال های زیر هم توجه کنید:

۳- تهران به تصمیم شورای همکاری خلیج درباب جزایر سه گانه تمب بزرگ، تمب کوچک و ابوموسی اعتراض کرد.

۴- گزارش ها حاکی از آن است که فردا یکی دیگر از وکلا به دادگاه احضار خواهد شد.

۵- بمب های خوشه ای هزاران نفر را قربانی گرفت.

در جمله ۳، منظور حکومت ودولتی که در تهران مستقر است، به تصمیم شورا اعتراض کرده است. بنابراین، عاملان عمل توسط محلی که در آن قرار دارند، تصویر سازی شده اند. در جمله ۴، از افرادی که گزارش داده اند، نامی به میان نیامده است. گزارش فاعل دستور جمله است ولی عاملان ذکر نشده اند و در اینجا عاملان عمل توسط گفته

یا نوشته آنان بازنمایانده شده اند. براینکه چرا گوینده یا نویسنده آن را ذکر نکرده است، تفسیرهای مختلفی مترتب است. یکی از تفسیرها این است که گوینده یا نویسنده می خواهد به عمل عینیت بیشتری بدهد و آن را غیر شخصی جلوه دهد. دیگر اینکه به علل مختلف، از جمله احساس خطر، نمی خواهد نام گزارشگر را بیان کند و بالاخره، تفسیرهای دیگر.

در جمله پنجم، بمب ها نیستند که قربانی می گیرند، بلکه آدم هایی که این بمب ها را پرتاب می کنند، مردمان را می کشند. پس، در اینجا، بازهم به علل مختلف عاملان قتل توسط وسیله قتل، بازنمایی شده اند. این تصویر سازی ها حساب و کتاب دارد و بدون علت صورت نمی گیرد. در مثال های بالا هم به ترتیب انتخاب محل زندگی سخنان و وسایل مورد استفاده افراد به جای خود افراد و بالعکس مؤلفه های گفتماندار هستند. این مؤلفه ها می توانند صرفاً زبانشناختی باشند، مانند نام دهی و مجهول در مقابل معلوم در جملات ۱ و ۲ و یا جامعه شناختی - معنایی (sociosemantic) باشند، مانند سه موردی که در جملات ۳ و ۴ و ۵ به کار گرفته شده اند. نگارنده در مقاله ای دیگر (یار محمدی، ۱۳۸۰ ب) در تحلیل خود از چهار ساختار زبانشناختی استفاده کرده است که این ساختارها عبارتند از ۱- نام دهی ۲- مجهول در مقابل معلوم ۳- فرآیند اسم سازی و ۴- بهره گیری از الگوهای متفاوت جمله. برای تفصیل این مطلب علاقمندان را به مقاله یاد شده ارجاع می دهیم تا از اطالۀ کلام در اینجا خود داری شود.

ب - مؤلفه های جامعه شناختی - معنایی

بنابر نظر ون لیوون (۱۹۹۶)، مرجح است که در تحلیل توجیهی گفتمان از مؤلفه های جامعه شناختی - معنایی استفاده شود. بعد از اینکه توجیه گفتمانی ویا علت به کارگیری هریک از این مؤلفه ها در تحلیل مشخص شد، آنگاه، می توان به تحقق زبانشناختی آنها پرداخت. یک علت عمده این است که به تعبیر ایشان، کارگزاران زبانشناختی با کارگزاران جامعه شناختی در بسیاری از حالات برهم منطبق نیستند. مثلاً به جمله ۶ توجه کنید:

۶- حسن از علی پول دریافت کرد.

در اینجا از نظر دستوری «حسن» عامل است. در حالی که از نظر جامعه شناختی، پذیرنده است. یعنی «علی» هست که به «حسن» پول داده است. نکته دیگر اینکه معنا و منظور در کلام، از فرهنگ گویندگان نشأت می گیرد، نه از نشانه های زبانی، به مثال ۷ توجه کنید:

۷- حملات هوایی بمب افکن ها بخشی از اماکن مسکونی قندهار را تخریب کرد. در اینجا «حملات هوایی» عامل زبانشناختی است و برای غیر شخصی نشان دادن عمل جنایتکارانه عامل جامعه شناختی آن، که دولت ها و یا افراد حمله کننده می باشند و عامل شخصی هستند، به پشت صحنه رانده شده اند.

در زیر با الهام از ون لیوون، علاوه بر آنچه در بالا گفته شد، به چند مورد از مؤلفه های جامعه شناختی - معنایی، به ویژه در زمینه تصویر سازی عاملان عمل اشارت می رود.

۱- حذف عامل یا پذیرنده در مقابل نام بردن آن

به علل مختلف گفتمانی، ممکن است عامل عمل حذف شود. سهولت و یا اشکال در باز شناخت عامل بسته به نوع متن و نیت گوینده دارد. امکان دارد متن طوری تنظیم شده باشد که المعنا فی بطن الشاعر باشد. به مثال های زیر توجه کنید:

۸- در تظاهرات دیروز عده ای زخمی شدند.

۹- وزیر دفاع ایالات متحده از اینکه به اشتباه برخی اماکن مسکونی در قندهار بمباران شده است، عذر خواهی کرد.

در جمله ۸، عامل حذف شده است. می توان حدس زد که احتمالاً پلیس آنها را زخمی کرده است.

در جمله ۹، معلوم نیست از چه کسی عذر خواهی شده است و باز سازی آن هم بسیار مشکل است و شاید غیر ممکن باشد.

۲- انتخاب نقش الف یا ب

نویسنده یا گوینده ممکن است بنا بر ملاحظات گفتمانی خاص، به کارگزاری مثلاً نقش عامل بدهد یا پذیرنده. مثال:

۹- کتاب مردمان را می آموزد که چگونه از هنجارهای جامعه تبعیت کنند.

۱۰- مردم کتاب رامی خوانند تا بدانند چگونه از هنجارهای جامعه تبعیت کنند.

در جمله ۹، «کتاب» که جسمی بی جان است، به صورت فعال و با نیروی محرک در مقام فاعل قرار گرفته است، ولی «مردم» به صورت انفعالی و در نقش پذیرنده عمل می کند. البته عامل اصلی جمله، نویسنده یا نویسندگان کتاب هستند که در این جا حذف شده اند. حال آنکه در جمله ۱۰، به «مردم»، نقش عامل و به «کتاب»، نقش پذیرنده

داده شده است. این اعطای نقش های مختلف بیشتر با عنایت به نوع افعالی که انتخاب می شوند، عملی می گردد.

۳- بیان به صورت جنس یا نوع

جنس به نقل از خوانساری (۶۹ : ۱۳۵۶)، یکی از کلیات خمس ارسطویی است و آن کلی ذاتی است که بر افراد مختلف الحقیقه قابل حمل است ... مانند حیوان که بر انسان واسب و خرگوش و شیر و جز آن حمل می شود ... و نوع هم به نقل از خوانساری (۱۸۰ : ۱۳۵۶)، یکی از کلیات خمس و آن کلی ای است که ... بر افراد متفق الحقیقه حمل شود. مثلاً چون پرسیم که احمد و پرویز و هوشنگ چیستند؟ جواب انسان است. البته جنس و نوع در منطق و زبانشناسی هریک زیر مقوله هایی هم دارند که در این جا مجال بحث آن نیست.

پس نوع، واقعی است که آن را با تجربه بلافاصل خود درک می کنیم و جنس واقعی است دست دوم که از طبقه بندی تعدادی از انواع حاصل می شود. نکته مهم در اینجا این است که جامعه شناسان این دو مفهوم متفاوت از واقعیت را با ویژگی های رفتاری طبقات اجتماعی ربط داده اند. مثلاً به نظر بوردیو (۱۹۸۶) نوع نگری از ویژگی های رفتاری طبقه کارگر است و جنس و یا عام نگری از ویژگی های طبقه مسلط و بورژوازی است. او بر نظر ویرجینا وولف تأکید کرده است که، general ideas are always Generals. ideas یعنی تصورات کلی همیشه به صورت ژنرال ها است.

در همین راستا، برنشتاین (۱۹۷۱) بردوشیوه بیان، تحت عناوین «نگارش گسترده» و «نگارش محدود» صحه گذارده است. بدین معنا که ما در نوع اول، به

مراتب جهانی و همگانی معنا و در دومی، به مراتب اختصاصی و شخصی معنا دسترسی پیدا می کنیم. نوع اول، بیشتر در دسترس طبقات بالا و نوع دوم، بیشتر در دسترس طبقات پایین است. ون لوون (۱۹۹۶) در همین باب می گوید که در روزنامه های طرفدار طبقه متوسط، مانند سیدنی مورنینگ هرالد (sydney Morning Herald) دولتیان و نخبگان به صورت جنس و مردم معمولی به صورت نوع ذکر شده اند، حال آنکه در روزنامه های طرفدار طبقه کارگر، مانند دیلی تلگراف (Daily Telegraph)، وضع درست برعکس است.

پس، اینکه ما می توانیم کارگزاران را به صورت جنس (یا عام، کلی و جمعی) و یا در هیأت نوع (یا خاص و جزئی و فردی) ذکر کنیم، مؤلفه گفتمانمدار تلقی می شود. این مؤلفه، خود زیر مقوله های متعددی دارد که از ذکر آنها در اینجا خودداری می شود.

۴- بیان به صورت مشخص یا نامشخص

ارائه مطالب به طوری که کارگزاران اجتماعی مشخص یا نامشخص (یا با درجاتی از میزان مشخص بودن) ارائه شوند، می تواند نقش مهمی در ایجاد ابهام و پوشیدگی یا صراحت داشته باشد. به عنوان مثال به دو جمله زیر توجه کنید:

۱۱- برخی از افراد در فساد اقتصادی و رانت خواری دست داشته اند.

۱۲- دادگستری به این مطلب کاملاً واقف است.

در جمله ۱۱، عامل به صورت نامشخص عرضه شده، حال آنکه در جمله ۱۲، عامل بالصراحه ذکر شده است.

۵- کار کرد و نقش در مقابل هویت خاص

اشاره به کارگزاران اجتماعی می تواند توسط کاری که انجام می دهند و نقشی که بازی می کنند، صورت گیرد یا اینکه به وسیله صفتی یا نسبتی که دارند و در وضعی که هستند، نامبرده شوند. به مثال های زیر توجه کنید:

۱۳- «خبرنگاران» در اینجا جمعند، ولی «رئیس جلسه» هنوز نیامده است.

۱۴- «برادر من» با چند «سبیل کلفت» در اینجا نیستند، ولی آن «دشمن» هنوز

نیامده است.

در شماره ۱۳، «خبرنگاران» و «رئیس جلسه» عاملانی هستند که توسط کاری که انجام می دهند، بازنمایی شده اند. ولی در شماره ۱۴، «برادر من»، «سبیل کلفت» و «دشمن» توسط نسبتی وصفی خاص که دارند تصویر سازی شده اند.

۶- بیان به صورت شخصی یا غیر شخصی

بسیاری از اوقات، به جای اینکه عامل به صورت شخصی که معمولاً انسان است و صراحت بیشتر هم دارد، آورده شود، به صورت غیر شخصی به منظور نشان دادن عینیت بیشتر به عمل و بی طرف قلمداد کردن عامل و یا پوشیدگی بیشتر نمایانده می شود. به مثال های زیر دقت کنید:

۱۵- آقای خاتمی اعلام کرد که هیچ یک از اعضای گروه القاعده در ایران نیستند.

۱۶- دفتر ریاست جمهوری اعلام کرد که هیچ یک از اعضای گروه القاعده در ایران نیستند.

۱۷- گزارش شده است که هیچ یک از اعضای گروه القاعده در ایران نیستند.

۱۸- کلنگ سر او راشکست .

در شماره ۱۵، عامل به طور مشخص نمایانده شده است. در حالی که در شماره های ۱۶، ۱۷ و ۱۸ به ترتیب، عامل توسط محل کار (یا زندگی)، گفته و یا وسیله مربوط به عامل تصویر سازی شده است .

ما می توانیم مؤلفه های دیگری نیز از نوع جامعه شناختی - معنایی در اینجا فهرست کنیم، ولی در همین حد برای روشن کردن قضیه کافی است . طبیعی است که می توان تظاهرات زبانشناختی هر یک از مؤلفه های بالا را در زبان های مختلف با تحقیقات لازم مشخص کرد که این خود، کاری است عظیم .

ج- نتیجه گیری

با عنایت به آنچه در بالا گذشت، می توان به طور خلاصه نتایج زیر را فهرست

کرد:

۱- برخی از ویژگی ها یا ساختار های زبانی گفتمانمدار هستند، یعنی با به کارگیری یکی از دو شق شیوه عرضه داشت عمل یا کارگزاران اجتماعی از گفته برداشت های متفاوتی می شود و این برداشت ها در چارچوب روابط قدرت و دیدگاه فکری - اجتماعی حاکم تحقق می پذیرد.

۲- توسط ساز و کار ساختارهای گفتمانمدار، می توانیم دیدگاه و رفتار دیگران را کنترل کنیم و آنها را در جهتی که لازم می دانیم، هدایت کنیم.

۳- مؤلفه های گفتمانمدار می توانند زبانشناختی یا جامعه شناختی - معنایی باشند. به نظر می رسد که کارآیی مؤلفه های جامع شناختی - معنایی در نشان دادن لایه های متفاوت گفتمان و پیام بیشتر باشد.

۴- تصویر سازی عمل و کارگزاران اجتماعی و دیگر بخش های گفتمان تحت تأثیر دیدگاه های فکری - اجتماعی و روابط قدرت حاکم بر جامعه به شیوه های گوناگون صورت می گیرد. این تصویر سازی های متفاوت، همگی هدفمند هستند و عموماً در جهت کنترل دیدگاه ها و رفتارها و کردارهای اجتماعی به کار گرفته می شوند.

۵- اکنون که بحث گفتگوی تمدن ها در جریان است، باید خاطر نشان کرد که به تعبیری، معنا از فرهنگ نشأت می گیرد، یا اینکه زبان و فرهنگ (و به تعبیر ما، گفته و عرف و کردارهای اجتماع) رابطه دو سویه دیالکتیک دارند. رابطه این دو غیر مستقیم است و معنا نیز در بین لایه های زبان به انحاء ظریفی نهفته است. و مهم اینکه روابط قدرت در بین افراد و اقشار و طبقات اجتماعی توسط زبان کنترل، تنظیم و یا تغییر داده می شود. حال سؤال این است که آیا می توانیم بدون داشتن آگاهی نظری و در نهایت، مهارت های عملی، گفتگوی مؤثری در شرایط مساوی با افراد و طبقات اجتماعی مختلف و در داخل یک زبان

و با دیگر زبانان داشته باشیم؟ پاسخ این مقاله به این سؤال منفی است. اگر آگاهی مورد نظر (یعنی ساز و کار عملکرد گفتمان) به دست آید، آنگاه ما به زبان همدلی دسترسی پیدا می‌کنیم و گفته مولانا نیز معنی پیدا می‌کند:

ای بسا هندو و ترک هم‌زبان وی بسا دو ترک چون بیگانگان

پس زبان همدلی خود دیگر است همدلی از هم‌زبانی بهتر است

این سخن را با دوییت دیگر از مثنوی مولانا که توسط یکی از دانشجویان فکور وجدی دوره دکتری، آقای محمود سماعی به نویسنده این سطور داده شده است و با بحث مطروحه در این مقاله هم تاحدی هم سویی دارد، پایان می‌دهم:

راه هموار است و زیرش دام‌ها قحط معنی در میان نام‌ها

لفظ‌ها و نام‌ها چون دام‌هاست لفظ شیرین ریگ آب عمرماست

ارجاعات

الف: منابع فارسی

خوانساری، محمد (۱۳۵۶). فرهنگ اصطلاحات منطقی. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.

یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۷۹). «بهره‌گیری مترجم از تحلیل گفتمان» مترجم. سال ۹، شماره ۳۲.

یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۸۰ الف). «تناسب کاربرد روش‌های کمی و کیفی در تحلیل گفتمان‌ها» نامه فرهنگ، دوره سوم، شماره مسلسل ۳۹.

یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۸۰ ب). «شیوه‌ای در تحلیل گفتمان و بررسی دیدگاه‌های فکری-اجتماعی» نامه فرهنگ (زیر چاپ).

ب: منابع انگلیسی

- 1- Bernstein' B (1971) Class' Codes and Control,vol 1:
Theoretical Studies towards ociology of Language , London :
Routledge.
- 2- Bourdieu, p.(1986). Distinction: A social Critique of the
Judgement of Taste. Cambridge :polity
- 3- fairclough,N.(1995).critcal Discourse Analysis London: Longman.
- 4- vanLeeuwen,T.(1996).“ The Representation of social Actors”in CaLdas -
Coulthard, C. R. and coulthard, M.(eds)Texts and Practices. London:
Routledge.

**The Use of Discursive Socio- semantic Structures
in Discourse Analysis with Special Reference
to the Representation of Social Actors**

by

Lotfollah Yarmohammadi

Abstract

In critical discourse analysis, attempts are made to establish correlation between underlying ideological structures and discursive structures. A good many linguistic features are selected by some linguists as discursive. In this article, however, the writer has attempted to show that a series of socio – semantic features can be chosen as discursive which are more revealing than linguistic ones.

Representation of social actors are exemplified through these features for further elaboration.